

آزمون شماره ۹

(جامع - عربی ۱ و ۲)

تاریخ: ۳/ دی/ ۱۳۹۳

مدت الإجابة: ۲۵ دقیقه

اللقب:

الاسم:

دیرستان
غیر دولتی پسرانه
نبی اکرم (ص)

۱- «من الذین ینفقون أموالهم فی سبیل الله من لا یعرفون إلا بعد موتهم!»:

۱. آیا آنها که امولشان را در راه خدا انفاق می کنند بعد از وفاتشان شناخته خواهند شد!
 ۲. آنان که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند و تنها پس از مرگ شناخته می شوند چه کسانی هستند!
 ۳. از کسانی که امولشان را در راه خدا انفاق می کنند کسانی هستند که شناخته نمی شوند مگر بعد از وفاتشان!
 ۴. از میان کسانی که امولشان را در راه خدا انفاق شد کسانی هستند که جز پس از مرگشان شناخت پیدا نمی کنند!
- ۲- «إنّ الإنسان لن یتتمّع بقدرته العظيمة إلا فی مساعدة الآخین!»:

۱. قطعاً انسان از نیروی عظیمی جز کمک به دیگران، بهره نمی برد!
۲. انسان فقط در کمک به دیگران از نیروی عظیم خود بهره مند خواهد شد!
۳. انسان مسلماً هنگام کمک به دیگران از نیروی زیاد خویش بهره خواهد برد!
۴. هرگز انسان جز با کمک دیگران از نیروهای بزرگ خود استفاده نخواهد کرد.

۳- عین الخطأ:

۱. ما منعت الأمة الإسلامیة عن الطیبات من الأرزاق: : امت اسلامی از روزی های پاکیزه منع نشده است.
۲. ليعلم الطالب أن النجاح فی الاجتهاد لا فی التکاسل: : دانش آموزان می دانند که موفقیت در تلاش است نه در بیکاری.
۳. كان المسلمون قد اكتسبوا درجات علمیة عالیة فی الماضي: : مسلمانان درجات علمی والائی را در گذشته بدست آورده بودند.
۴. للفواکه فوائد کثیرة و هی توفر طعام الإنسان و الحيوان: میوه ها فواید بسیاری دارند و آنها غذای انسان و حیوان را مهیا می سازند.

۴- عین الأصحّ والأدقّ: «فارابی همچون بقیه دانشمندان رنج های فراوانی را در زندگی اش تحمل می کرد»

۱. الفارابی تحمّل المصائب الكثیرة فی حیاته كسائر العلماء.
۲. كان الفارابی كسائر العلماء قد يتحمّل فی الحیاة آلاماً الكثیرة.
۳. الفارابی كسائر العلماء كان فی حیاته تتحمّل کثیراً من الآلام.
۴. كان الفارابی كسائر العلماء يتحمّل آلاماً کثیرة فی حیاته.

۵- عین الصحیح:

۱. يجب علی المسلم أن لا يحاکی الآخین: مسلمان نباید غیبت دیگران را بکند.
۲. من یتمسک بالأخلاق الفاضلة یفلح فی حیاته: هر کس به اخلاق نیکو تمسک بجوید در زندگی رستگار شده است.
۳. کنا قد طالعنا خمس صفحات من الكتاب السابع: پنج صفحه از کتاب هفتم را مطالعه کرده بودیم.
۴. العظماء فی جمیع البلاد یهدون الأجيال: بزرگان همه سرزمین ها، نسل ها را هدایت کرده اند.



اقرأ النصَّ التاليَ بدقة ثمَّ أجب عن الأسئلة بما يُناسب النصَّ :

« بعد أن أثبت المسلمون أن الأرض كروية، أشاروا إلى أنه لا بُد من وجود جزر معمورة (جزيرة فيها عمران) في الوجه الآخر من الكرة الأرضية لم تُكتشف! و قد بنيت هذه النظرية على أنه ليس من المعقول أن يكون أحد سطحى الكرة كلاً أرضاً جبليّة، بينما الجانب الآخر كلاً ماء! فإن هذا خلاف توازنها و انتظام دورانها. و قد كان «البيرونى» أوّل من أشار إلى هذه الحقيقة. فعلى أساس هذه النظرية ابتدأت المحاولات لكشف بلدة سُميت فيما بعد أمريكا!»

٦- ماذا كان سبب الاعتقاد بوجود مكان باسم «أمريكا»؟

١. توازن الأرض ٢. كروية الأرض ٣. دوران الأرض ٤. جبليّة الأرض
- ٧- فى البداية كان الناس يعتقدون بـ

١. وجود أمكنة معمورة فى الجانبين من الكرة الأرضية. ٢. توازن الأرض و انتظام دورانها.
٣. جبليّة جانب من الأرض و مائية الجانب الآخر. ٤. أن الأرض كروية تدور.
- ٨- «البيرونى» أوّل من أشار إلى
١. وجود بلدة باسم أمريكا فى الجانب الآخر من الأرض. ٢. أن الأرض بحاجة إلى مناطق معمورة.
٣. التشابه بين جانبي الأرض من جهة الجبل و الماء. ٤. أن شكل الأرض قريب بالدائرة.

٢١ عيّن الصّحيح فى التشكيل (٩ و ١٠)

٩- «ليس من المعقول أن يكون أحد سطحى الكرة الأرضية كلاً أرضاً جبليّة!»

١. أن - يَكُون - سَطْحَى - الكُرّة ٢. مَنْ - أَحَدٌ - كَلٌّ - كَلَّهُ - جَبَلِيَّة
٣. يَكُون - أَحَدٌ - سَطْحَى - الكُرّة ٤. المَعْقُول - يَكُون - الكُرّة - الأَرْضِيَّة
- ١٠- «إن هذا خلاف توازنها و قد كان البيرونى أوّل من أشار إلى هذه الحقيقة!»
١. خِلافٌ - تَوَازُنٌ - أوَّلٌ - مَنْ ٢. كَان - البَيْرُونِيُّ - أوَّلٌ - مِنْ
٣. خِلافٌ - تَوَازُنٌ - البَيْرُونِيُّ - أوَّلٌ ٤. تَوَازُنٌ - البَيْرُونِيُّ - أوَّلٌ - مَنْ

٢٢ عيّن الصّحيح فى التحليل الصرفى (١٣-١١):

١١- «بنيت» :

١. مجرد ثلاثى - معتل و ناقص - لازم - مبنى / فعل و نائب فاعله «النظرية» و الجملة فعلية.
٢. للغائب - مجرد ثلاثى - متعدّد - مبنى للمجهول / فعل و نائب فاعله «هذه» و الجملة فعلية.
٣. ماضٍ - معتلّ و أجوف - مبنى للمجهول - مبنى على الفتح / فعل و نائب فاعله «هذه»
٤. فعل ماضٍ - معتلّ و ناقص - متعدّد - معرب / فعل مجزوم و نائب فاعله «هذه»

١٢- «يكون» :

١. للغائب - مجرد ثلاثى - معتلّ و أجوف - معرب / فعل منصوب بحرف «أن»
٢. فعل مضارع - للغائبين - مجرد ثلاثى - مجرد ثلاثى / فعل منصوب بحرف «أن» و من الأفعال الناقصة
٣. معتلّ و أجوف - معرب / فعل من الأفعال الناقصة و هى من النواسخ، اسمه ضمير «هو» المستتر
٤. فعل مضارع - للغائب - مجرد ثلاثى - معتلّ و أجوف / من الأفعال المشبهة بالفعل، اسمه «هذه»

١. جمع تكسير (مفردة : مُحاولة، مؤنث) - معرفه - معرب / فاعل و مرفوع
٢. جمع سالم للمؤنث - معرّف بأل - معرب - منصرف / فاعل و مرفوع
٣. اسم - مصدر من باب «مفاعلة» معرّف بأل / مفعول به و منصوب
٤. اسم - مشتق و اسم فاعل - معرب - منصرف / مفعول فيه و منصوب

١٤- عَيْنِ الصَّحِيحِ :

١. إِنَّ الطَّلَبَةَ المَجْدِيْنَ يَسْرُونَ وَالدَّيْهَمَ كَثِيْرًا.
٢. أَرْسَلَ يُوْسُفُ رَسَائِلَ إِلَى حِمزَةَ وَ سَعِيْدًا.
٣. لَنْ يُسَافِرَا الصَّيَادَانِ إِلَى ذَلِكَ الْجَزِيْرَةِ.
٤. لِيَنْفِقُ ذَا الْعُلُومِ مِنْ عُلُومِهِ الْمَخْتَلِفَةِ.

١٥- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ نَعْتٌ :

١. لِلخَفَّاشِ آذَانٌ يَسْتَفِيْدُ مِنْهَا عِنْدَ الْحَرَكَةِ وَ كَأَنَّهَا عِيُونُهُ يَرَى بِهَا.
٢. لَهُ حَاسَّةٌ سَمِعَ حَادَّةٌ تَسَاعِدُهُ عِنْدَ الطَّيْرَانِ وَ الصَّيْدِ.
٣. وَ هُوَ يَرْسِلُ مَوْجَاتٍ صَوْتِيَّةً تَرْتَدُّ إِلَيْهِ بَعْدَ اصْطِدَامِهَا بِمَانِعٍ.
٤. وَ إِنَّمَا الخَفَّاشُ يَسْتَفِيْدُ مِنْ هَذِهِ الْقُدْرَةِ حَسَنًا لِدَوَامِ حَيَاتِهِ.

١٦- عَيْنِ الصَّحِيحِ :

١. لَمَّا اسْتَخْرَجُوا الْحَدِيْدَ.
٢. الْكُفَّارُ لَمْ تَوْمِنُوا بِاللَّهِ.
٣. لَمَّا تَنَالُوا الْعِشَاءَ.
٤. اجْتَهَدِي لِكِي تَتَقَدَّمِيْنَ غَدًا.

١٧- عَيْنِ الخَطَأِ حَوْلَ فِعْلِ شَرْطٍ وَ جِزَاءِ شَرْطٍ :

١. مَا تَفَعَّلُوا فِي السَّرِّ يَعْلَمُهُ اللَّهُ.
٢. مَنْ يَتَأَمَّلْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَأِ.
٣. مَنْ حَفَرَ بَثْرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا.
٤. مَا تَجْمَعُ النَّمْلَةُ فِي الصَّيْفِ تَجِدُ ثَمْرَتَهُ فِي الشِّتَاءِ.

١٨- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ :

١. نَكْتَبُ الدَّرُوسَ بَعْدَ الوُصُولِ إِلَى الْبَيْتِ. ← يَكْتَبُ دُرُوسًا بَعْدَ الوُصُولِ إِلَى الْبَيْتِ.
٢. ضَيَّعْتُ سَاعَاتِ الْحَيَاةِ، فَكَّرْتُ بِدَقَّةٍ. ← ضَيَّعْتُ سَاعَاتِ الْحَيَاةِ، فَكَّرْتُ بِدَقَّةٍ.
٣. سَرَقَ سَارِقٌ مِنْ دَكَّانٍ فِي السُّوقِ آلَافًا مِنَ الدَّرَاهِمِ. ← سُرِقْتُ مِنْ دَكَّانٍ فِي السُّوقِ آلَافًا مِنَ الدَّرَاهِمِ.
٤. اِكْتَسَبَ الْعَالَمُ تِجَارِبَ كَثِيْرَةً مِنْ سِنُوَاتِ عَمَلِهِ. ← تُكْتَسَبُ تِجَارِبُ كَثِيْرَةٌ مِنْ سِنُوَاتِ عَمَلِهِ.

١٩- عَيْنِ الْخَبْرِ لَيْسَ مُقَدَّمًا :

١. لَمْ يَكُنْ فِي غُرْفَتِي مَكَانٌ خَالٍ لِأَجْلِسَ فِيهِ.
٢. لَيْسَ فِي أَسْرَتِنَا الْكَبِيْرَةِ مَنْ لَا يَحَاسِبُ أَعْمَالَهُ.
٣. سَتُصْبِحِينَ بَيْنَ طَالِبَاتِ الصَّفِّ تَلْمِيْذَةً مِثَالِيَّةً.
٤. تَنَاوَلَ الضَّيْفُ مِنْ طَعَامٍ كَانَتْ فِيهِ أَمْلَاحٌ مُفِيْدَةٌ.

٢٠- عَيْنِ الْعِبَارَةِ الصَّحِيْحَةِ :

١. لَكِنَّ الْمُسْلِمِيْنَ غَافِلُوْنَ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ.
٢. كَأَنَّكَ فِي الْمَسْجِدِ مَشْغُولًا بِالْعِبَادَةِ.
٣. كَانَ الشَّمْسُ كُرَةً مَلْتَهَبَةً.
٤. لَيْتَ الْمُسْلِمِيْنَ يَتَحَدَّثُونَ.

پاسخنامه

۱- گزینه ۳ صحیح است.

(۱) آیا ... (جمله عربی استفهامی نیست) - آنها که ... (حرف «مِن» در ترجمه لحاظ نشده) - بعد از وفاتشان ... (ساختار جمله فارسی غیر از اصل عربی آن است!).

(۲) آنان که (← توضیحات گزینه ۱) - و تنها ... (جمله عربی معطوف نیست) - چه کسانی ... (جمله‌ی عربی استفهامی نیست).

(۴) انفاق شد (يُنْفِقُونَ: انفاق می‌کنند، مبنی للمعلوم) - شناخت پیدا نمی‌کنند (يُعرفون: شناخته می‌شوند، مبنی للمجهول).

۲- گزینه ۲ صحیح است.

(۱) نیروی عظیمی (ضمیر اضافی در ترجمه لحاظ نشده) بهره نمی‌برد (لن «بر مستقبل دلالت می‌کند).

(۳) هنگام ... (چنین قیدی در عبارت عربی وجود ندارد) - نیروها (قدرة، مفرد است نه جمع!) - بهره خواهد برد (لن «به مفهوم مستقبل منفی است نه مثبت!).

(۴) با کمک (فی ... : در کمک، بوسیله‌ی کمک) - نیروها (← توضیحات گزینه ۳).

۳- گزینه ۲ صحیح است. می‌دانند (از مجزوم بودن «يعلم» می‌فهمیم که لام آن حرف امر است به معنای «باید»: باید بدانند! بدانند!) - بیکاری (تکاسل: تبلی و سستی)

۴- گزینه ۴ صحیح است. صیغه‌های «کان» همراه فعل مضارع، در فارسی معادل ماضی استمراری می‌باشد. بنابراین: تحمل می‌گرد ← کانَ يَتَحَمَّلُ

«آلاماً الكثيرة» ترکیب غلطی است زیرا صفت از موصوف در معرفه و نکره بودن تبعیت می‌کند.

۵- گزینه ۳ صحیح است.

ترجمه درست سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: مسلمان نباید از دیگران تقلید کند. گزینه ۲: هر کس به اخلاق نیکو پای‌بند شود، در زندگی خویش رستگار می‌شود. گزینه ۴: بزرگان در همه‌ی سرزمین‌ها، نسل‌ها را هدایت می‌کنند.

ترجمه متن :

« پس از این‌که مسلمانان ثابت کردند که زمین گرد است، به این امر اشاره کردند که ناگزیر در بخش دیگری از کره زمین که کشف نشده است آبادانی وجود دارد! و این نظریه بر این پایه بنا شده است که عاقلانه نیست که یک بخش از زمین تمامش کوه در حالی که بخش دیگرش فقط آب باشد! زیرا این خلاف توازن و نظم گردشش است، «ابوریحان بیرونی» اولین کسی است که به این حقیقت اشاره کرده بود! بر پایه این نظریه تلاش‌ها مبنی بر کشف کشوری که بعدها آمریکا نامیده شد آغاز گردید!»

۶- گزینه ۲ صحیح است. «علت اعتقاد به وجود داشتن جایی به اسم آمریکا چیست؟». با توجه به مفهوم متن، گزینه (۲)

پاسخ صحیح این سؤال می‌باشد: «کروی بودن زمین»، گزینه (۱): «توان زمین»، گزینه (۳): «گردش زمین» و گزینه (۴):

«کوهستانی بودن زمین»

۷- گزینه ۳ صحیح است. «در ابتدا مردم اعتقاد داشتند به اینکه» با توجه به مفهوم متن گزینه (۳): «کوهستانی بودن بخشی از زمین و آبی بودن بخشی دیگر» صحیح می‌باشد. ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «وجود آبادانی در دو طرف کره زمین»، گزینه (۲): «توازن زمین و نظم در گردش آن» و گزینه (۴): «همانا زمین گرد و در گردش است»

۸- گزینه ۳ صحیح است. «بیرونی اولین کسی است که اشاره کرد به». گزینه (۱): «وجود کشوری به اسم آمریکا در سمت دیگری از زمین»، گزینه (۲): «این که زمین به مناطق آباد نیاز دارد»، گزینه (۳): «شباهت بین دو سمت زمین، در جبهه کوهستانی و آبی» و گزینه (۴): «این که شکل زمین نزدیک به دایره است».

۹- گزینه ۴ صحیح است. ترکیب کامل عبارت: «لیس»: فعل ناقصه اسم «هو» مستتر / «مِنَ الْمَعْقُولِ»: جار و مجرور، خبر «لیس» و محلاً منصوب / «أَنَّ»: حرف ناصبه / «يَكُونُ»: فعل ناقصه و منصوب / «أَحَدٌ»: اسم «يَكُونُ» و مرفوع / «سطحي»: مضاف الیه و تقدیراً مجرور / «الْكِرَّةُ»: مضاف الیه و مجرور / «الأرضية»: صفت و مجرور به تبعیت / «كُلُّ»: موکد (این واژه بر روی اسم «يَكُونُ»، یعنی «أَحَدٌ» تأکید کرده است) / «ه»: مضاف الیه و محلاً مجرور / «أَرْضاً» خبر «يَكُونُ» و منصوب / «جَبَلِيَّةٌ»: صفت و منصوب به تبعیت.

صورت صحیح اعراب گذاری: «لَيْسَ مِنَ الْمَعْقُولِ أَنْ يَكُونَ أَحَدٌ سَطْحِي الْكِرَّةِ الْأَرْضِيَّةِ كُلُّهُ أَرْضاً جَبَلِيَّةً!»

۱۰- گزینه ۱ صحیح است. ترکیب کامل عبارت: «إِنَّ»: حرف مشبّهة / «هَذَا»: اسم «إِنَّ» و منصوب محلاً / «خلاف»: خبر «إِنَّ» و مرفوع / «توازن»: مضاف الیه و مجرور / «ها»: مضاف الیه و محلاً مجرور / «قد»: حرف تحقیق / «كان»: فعل ناقصه / «البيروني»: اسم کان و مرفوع با اعراب ظاهری اصلی (-) / «أَوَّلَ»: خبر «كان» و منصوب / «مَنْ»: مضاف الیه و محلاً مجرور / «أشارَ»: فعل ماضی، فاعله «هو» مستتر / «إلى هذه»: جار و محلاً مجرور / «الحقيقة»: عطف بیان و مجرور به تبعیت.

صورت صحیح اعراب گذاری: «إِنَّ هَذَا خِلَافٌ تَوَازَنُهَا وَقَدْ كَانَ الْبَيْرُونِيُّ أَوَّلَ مَنْ أَشَارَ إِلَى هَذِهِ الْحَقِيقَةِ»

۱۱- گزینه ۲ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها: در گزینه (۱) لازم و نائب فاعل «النظريّة» (صحیح: متعدی و نائب فاعله «هذه») / در گزینه (۳) «اجوف» (صحیح: ناقص) و در گزینه (۴) «معرب و فعل مجزوم» (صحیح: مبنی)

۱۲- گزینه ۱ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها: در گزینه (۲) «لِلغائبين» (صحیح للغائب)، در گزینه (۳) اسمه ضمیر «هو» مستتر (صحیح: اسم «أحد» و در گزینه (۴) من الأفعال المشبّهة بالفعل، اسمه «هذه» (صحیح: من الأفعال ناقصة و اسم «أحد») نادرست می‌باشند.

۱۳- گزینه ۲ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها: در گزینه (۱) جمع تکسیر (جمع مؤنث سالم)، در گزینه (۳) «مفعول به و منصوب» (صحیح: فاعل و مرفوع) و در گزینه (۴) نیز «مشتق و اسم فاعل و مفعول فيه و منصوب» (صحیح: جامد مصدری (من مصدر باب مفاعلة) و فاعل و مرفوع) نادرست می‌باشند.

۱۴- گزینه ۱ صحیح است. / در گزینه ۲ «سعید» باید «سعید» شود چون منصرف است. / در گزینه ۳: فعل اول جمله باید مفرد شود ضمناً «الجزيرة» مؤنث است پس تلک صحیح است. / در گزینه ۴: «ذا» فاعل است پس باید به «ذو» تبدیل شود.

۱۵- گزینه ۴ صحیح است. صفت در سایر گزینه‌ها به ترتیب عبارت است از: «یستفیدُ» (جمله وصفیه است چون به توضیح اسم نکره ماقبل خود (آذان) پرداخته)، «تساعد» (جمله وصفیه است چون به توضیح اسم نکره ماقبل خود (حاسّة) پرداخته) و «صوتیة» (صفت مفرد برای موجات).

۱۶- گزینه ۱ صحیح است. «لَمَّا» بر سر فعل ماضی حرف جزم نمی‌باشد، بلکه اسم می‌باشد و معنای «هنگامی که» می‌دهد.

۱۷- گزینه ۳ صحیح است. فعل «وَقَعَ» ماضی می‌باشد و افعال ماضی مبنی هستند. بنابراین این فعل در گزینه ۳ اشتباه آمده است و نباید انتهای خود ساکن بگیرد. اعراب فعل «وَقَعَ»: فعل جواب شرط، مجزوم، محلاً

۱۸- گزینه ۳ صحیح است. در این گزینه «آلاف» نائب فاعل است و بدلیل غیرعاقل بودن فعل آن به صورت مفرد مؤنث به کار می‌رود. «الدروس»، «ساعات» و «تجارب» در سایر گزینه‌ها نائب فاعل هستند و چون این کلمات جمع غیر عاقل (غیر انسان) هستند، فعل آن‌ها باید به صورت مفرد مؤنث به کار رود. در گزینه ۴ فعل «اِكتَسَبَ» ماضی است و در مجهول کردن نباید به مضارع تبدیل شود.

۱۹- گزینه ۳ صحیح است. «فی غُرْفَةٍ»، «فی أُسْرَةٍ» و «فیهِ» در سایر گزینه‌ها خبر مقدم هستند. حرف «باء» در «تُصبحینَ» اسم تُصبحین می‌باشد. بنابراین امکان مقدم شدن خبر نیست.

۲۰- گزینه ۴ صحیح است. در گزینه ۱، المسلمون ← المسلمین / گزینه ۲، مشغولاً ← مشغولٌ (خبر کأن) / گزینه ۳، کان ←

کانتُ